

آثار لجاجت در خانواده از دیدگاه آیات و عترت

استاد راهنما: منیژه سالاری-نویسندگان: سپیده آل‌وستانی، عاصمه نیل برگی، زهره دیلم، سمانه

دلیری^۱

چکیده

رعایت اخلاق در اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و رذایل اخلاقی در قرآن مورد مذمت فراوان قرار گرفته است و آمده است که رذایل اخلاقی آثار منفی بر فرد و حتی در اجتماع از خود به جای می‌گذارد. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی عوامل و آثار لجاجت در خانواده و اجتماع را با تکیه بر آیات قرآن کریم مورد بررسی قرار داده است. یکی از پلیدترین صفاتی که در قرآن از آن به صراحت یا به صورت مفهومی یاد شده و مورد سرزنش قرار گرفته لجاجت و اصرار ورزیدن بر سخنان و عقاید باطل است. قرآن مجید ریشه و خاستگاه این خصلت زشت در انسان را عواملی چند از جمله جهالت و نادانی، تکبر، غرور، کینه ناخشنودی و تقلید کورکورانه میداند از میان همه آن تقلید کورکورانه عاملی است که بیش از دیگر عوامل باعث ویرانی و تخریب جوامع و نابود شدن اقوام گذشته براساس ایجاد لجاجت در انسان ها شده است. همچنین با توجه به آیات که در این پژوهش آمده است تأثیر تخریبی این رذیله اخلاقی لجاجت در زندگی اجتماعی انسان ها روشن می‌شود آثار این خصلت و روحیه آدمی تنها موجبات تباهی و آلودگی نفس نیست جامعه بشری را نیز متأثر می‌سازد و بسیاری از فتنه ها فسادها و نابهنجاری ها را سبب می‌شود. بر اساس آیات لجاجت و لجبازی دارای آثار منفی زیادی است. این تأثیرات تا آنجا که انسان را از ایمان و اسلام بیگانه ساخته و به سوی کفر و شرک و اقتدای به شیطان و رها کردن رشته محکم ایمان سوق می‌دهد اگر انسان بخواهد به این عوامل دچار نشود باید از این رذیله دوری کند و آن را در خود ریشه کن. سازد از این رو است که رهبران دینی و اخلاقی جامعه همواره برای مبارزه با این رذیله اخلاقی در افراد تلاش کرده و می‌کنند تا به شکل منش اشخاص در جامعه بروز و ظهور نکنند

کلید واژه ها: رذایل اخلاقی، لجاجت، قرآن مجید، آیات

^۱ .مدرسۀ علمیه خاتم الاوصیاء (عج)، فاضل آباد، استان گلستان

بیان مساله

نفس اماره، یکی از پایه های سرشتی و نهادی آدمی است نفس در حالت همیشگی در حالت ترازمندی و میانه روی است و با آنکه الهامات پرهیزکارانه و تبهکارانه بر آن داخل می شود با این همه، به هیچ یک از دو سمت تمایل پیدا نمی کند. اگرچه کمتر آدمی است که این تراز مندی و میانه روی را پاسبانی کند، بالاتر از آن بیشتر آدمها در دام الهامات تبهکارانه افتاده و نفس ایشان به نفس اماره دگرگون می شود که کس را به اعمال سوء، بد و زشت دستور و امر می کند. تنها شماری از کس ها هستند که نفس لواحه و سرزنشگر ایشان فرمان نمی دهد تا به سوی الهامات تبهکارانه کشیده شوند و شماری بسیار کمتر و اندک مردمانی هستند که به نفس مطمئنه دست می یابند و به آرامشی دست می رسند که به انگیزه بهره مندی از الهامات پرهیزکارانه در آنان پدیدار شده است. نفس اماره به بدیها و زشتی ها همواره پیرامون بی ارزش را می بیند و بدان گرایش دارد از شایستگی ها گریزان و به پوچی و رذالت تمایل پیدا می کند. این گونه است که در یک فرایندی به مجموعه ای از فروزه های زشتی ها، پستی ها و بدیها بدل می گردد. یکی از این فروزه های زشت و پلید اخلاقی نفس اماره به بدی ها « لجاجت» است. لجاجت در واژه به معنای پافشاری در انجام کاری که ناسازگار خواسته کس روبرو باشد و در اصطلاح به پافشاری ورزیدن در کاری همراه با دشمنی که از انجام آن بازداری، شده گفته می شود. یکی از پلیدترین فروزه هایی که در قرآن از آن به روشنی یا به صورت مفهومی یاد شده و مورد سرزنش قرار گرفته، لجاجت و پافشاری ورزیدن بر سخنان و برداشت های تباه است که کشیده به نپذیرفتن، پیامبران نشانه های خدایی و حتی گاهی به کشتن پیامبران خدا می گردد. همچنین لجاجت از نظر علمی یکی از رذایل اخلاقی است که در دو گستره روانشناختی و روانشناختی همبودی نشانه های با ارزش و بنیادی بر جا می گذارد این خوی اگر در منش آدمی نمود یابد، آدمی را به دام زیاده روی گرایی و ستیزه جویی می کشاند و فرمان رشد و بالندگی را در او از بین می برد. خودکامگی و پافشاری بر تباه و کجروی ها، از آنگونه نشانه های ویرانگر و زیانبار این خوی زشت آدمی است. قرآن کریم ریشه و خاستگاه این خوی را در چند مورد گفتار کرده است. یکی از این سازهایی که برای آفرینش لجاجت در آدمی متصور است پیروی کورکورانه از باورهای دیگران است؛ چراکه

گاهی با گواه به آن حکم خرد راسرکوب کرده و جلوی روشنترین برهان ها و معجزات ایستادگی می کنند قرآن کریم به نکوهش این گونه پیروی کورکورانه از سوی افراد پرداخته و آن را نمی پذیرد .

لجاجت از پلیدترین فروزه هایی که در قرآن از آن به صراحت یا به صورت پندارهای یاد شده و مورد سرزنش قرار گرفته لجاجت و پافشاری ورزیدن بر سخنان و باورهای تباه است که کشیده شونده به دروغ شماردن انبیاءنشانه های خدایی و تا آنجا که به کشتن پیامبران خدایی گردید. با توجه به این نشانه های زیانبار در این پژوهش می شود سازه ها و نشانه های ویرانگر لجاجت از دیدگاه قرآن کریم نمایان گردد تا هم سخنان با این رذیله اخلاقی و سازه ها و نشانه های آن بیشتر آشنا شوند، از این رو نگهبان اعمال و رفتار خود باشند و از این رذیله اخلاقی دور کنند و اگر دچار آن هستند خود را از آن رها نمایند. پیامدهای این پژوهش را می توان در اختیار مراکز فرهنگی و آموزشی و همبودی قرار دارد تا همه هم سخنان از آن بهره‌مندگردند.

پیشینه پژوهش

در آیات متعددی از قرآن کریم و نیز در روایات متعددی در کتب اربعه به این موضوع پرداخته شده است، علاوه بر این در کتاب های اخلاقی مانند معراج السعاده اخلاق ناصری و چهل حدیث امام خمینی(ره) به این موضوع پرداخته اند، علاوه بر این ها در تحقیقات جدیدتر نیز این موضوع مورد بررسی قرار گرفته است که به برخی از آنها اشاره می شود.

۱- اخلاق در قرآن مکارم شیرازی، ج ۲، در ص ۹۹ این کتاب به مباحث مربوط به لجاجت پرداخته است و پس از تبیین موضوع و تعریف آن راهکارهایی را از قرآن کریم و از روایات برای درمان لجاجت ارائه داده است. ۲- آثار تعصب و لجاجت در تخریب روابط اجتماعی از منظر قرآن و روایات مهدی اکبر، نژاد، سمیه مهری نیا، در این مقاله به صورت اجمالی و مختصر آثار زیانبار تعصب و لجاجت را در تخریب جوامع از نگاه قرآن و روایات بررسی می کند. ۳- لجاجت محمد مزدنی در این مقاله نیز برخی از عوامل و آثار لجاجت به صورت مختصر تبیین شده است. ۴- لجاجت و زیان های آن خلیل منصوری، در این مقاله پس از بررسی معنای لجاجت عامل اصلی لجاجت را تکبر و استکبار دانسته است و نیز از آثاری مانند تعصب و تقلید کورکورانه نیز نام برده است.

۱- عوامل روانشناختی لجاجت

عوامل خلقی و سرشتی: زمینه های اخلاقی ارتباط داشته با نقص تنظیم هیجانات، تغییر سریع هیجانات و پایین بودن آستانه تحمل ناکامی ها باعث به وجود آمدن این اختلال می شوند.

عوامل مربوط به محیط: در خانواده های دارای کودکان و نوجوانان لجباز و نافرمان روش های تربیت کودک از نوع پرخاشگرانه و مستبدانه، غیر قابل پیش بینی بدون مرز می باشد و این نوع تربیت در بعضی از نظریه ها علت این اختلال به شمار می رود. (تقی زاده، ۱۳۹۶، ص ۵۴)

عوامل ژنتیکی و فیزیولوژیکی: چند شاخص عصبی- زیستی مثل ضربان قلب پایین تر و واکنش پذیری، رسانش پوست، کاهش واکنش پذیری، کورتیزل پایه ای، ناهنجاری هایی در قشر پیش پیشانی و با ادامه با اختلال لجبازی و نافرمانی ارتباط داشته اند. با این حال اکثر پژوهش های کودکان مبتلا به اختلال لجبازی و نافرمانی را از آنهایی که به اختلال سلوک مبتلا هستند متمایز نکرده اند. بنابراین معلوم نیست که آیا شاخص های خاصی برای اختلال لجبازی و نافرمانی وجود دارند یا نه. آزمایش های لابراتوری یا یافته های آسیب شناختی خاصی برای کمک به تشخیص اختلال لجبازی نافرمانی وجود ندارد. چون بعضی از کودکان مبتلا وقتی بزرگ شوند؛ پرخاشگری فیزیکی نشان داده و به حقوق دیگران تجاوز می کنند. ممکن است در بعضی از ویژگی هایی که در افراد خشن تحت بررسی است، نظیر کاهش سرتونین سلسله اعصاب مرکزی سهمیم بوده است.

۲- سبب شناسی روانشناختی لجاجت

دفاع از امیال خود و مقابله با خواست های دیگران برای رشد طبیعی اهمیت اساسی دارد. این کار با برقراری خود مختاری، ایجاد هویت و تنظیم معیارها و کنترل های درونی مربوط است. بارزترین نمونه رفتار مقابله ای بین ۱۸ تا ۲۴ ماهگی ظاهر می گردد. وقتی که کودک نو پا به عنوان تظاهری از خود مختاری رو به رشد رفتار منفی کارانه پیشه می کند «دوساله های وحشتناک» پاتولوژی زمانی شروع می شود که این مرحله مربوط به

رشد دوام غیر عادی پیدا می کند صاحبان قدرت واکنش مشدد نشان می دهند یا رفتار مقابله ای بیشتر از آنچه در کودکان یا سن عقلی مشابه دیده می شود، ظاهر می گردد. (صفر زاده، ۱۳۹۵، ص ۳۲) کودکان ممکن است استعداد ذاتی یا مزاجی برای تمایلات قوی سلیقه ها و تقدم های قوی و اظهار وجود قاطعانه داشته باشند اگر کنترل و قدرت مسأله ای برای والدین بوده باشد یا از قدرت بخاطر نیازهای خود استفاده کنند کشمکشی پدید می آید که زمینه را برای پیدایش اختلال بی اعتنایی مقابله ای | فراهم می سازد چیزی که نوزادان آن را به عنوان برقراری خودرایی شروع کرده است به صورت دفاعی در مقابل وابستگی مفرط به مادر یا وسیله حفاظتی در مقابل مداخله در خودمختاری ایگو در می آید. در سال های بعدی کودکی ضربه های محیطی، بیماری با ناتوانی مزمن مثل عقب ماندگی ذهنی ممکن است موجب بروز رفتار مقابله ای به عنوان دفاعی در مقابل درماندگی اضطراب و فقدان احترام به نفس گردد. یک مرحله مقابله ای دیگر سنین نوجوانی و به عنوان تظاهراتی از نیاز به گسستن از والدین و برقراری هویتی مستقل ظاهر می گردد. فرضیه کلاسیک روانکاوی علت این اختلال را در تعارضهای حل نشده ای که در دوره مقعدی پیدا شده اند می داند. رفتارگرایان معتقدند که مقابله جونی یک رفتار تقویت شده و آموخته شده است که از طریق آن کودک بر اولیای قدرت اعمال کنترل می نماید بعلاوه توجه زیاد والدین مثل بحث های طولانی در مورد رفتار نیز ممکن است رفتار را تقویت کند.

ملاکهای تشخیص روانشناختی لجاجت

الف) الگوی خلق خشمگین تحریک پذیر، رفتار جنجالی، نافرمانی یا کینه جویی که حداقل ۶ ماه ادامه دارد و با حداقل چهار نشانه از هر یک از طبقات زیر ثابت می شود و هنگام تعامل با حداقل یک نفر که همشیر نیست آشکار می شود.

خلق خشمگین / تحریک پذیر

۱- کثر اوقات سریع عصبانی میشوند.

۲- اکثر اوقات از دیگران به راحتی رنجیده می شوند.

۳- اکثر اوقات ناراحت و دلگیر هستند. (مرشد، ۱۳۹۴، ص ۱۲)

رفتار جر و بحث / نافرمانی

۱- اکثر اوقات با مراجع قدرت و اگر کودک یا نوجوان باشد با بزرگترها جنجال می کند.

۲- اکثر اوقات به طور جدی از پذیرفتن و رعایت قوانین سر باز می زند.

سیاسی اسلامی آثار خطرناکی را برای امام و امت به جا می گذارد. هر چند ریشه این لجاجت متفاوت و متنوع است اما آثاری که به دنبال دارد، مشترک است؛ زیرا چه از روی تکبر این لجاجت باشد یا از روی نفاق و نفوذ یا مانند آنها نتیجه یکی از مواردی است که در اینجا بیان میشود. به نظر می رسد که آثار زیانبار لجاجت مسئولان و مدیران در یک نظام ولایی می تواند به اشکال زیر بروز کند:

۱- مشروعیت زدایی از نظام سیاسی اسلامی:

هنگامی که مسئولان نظام اسلامی در اموری بر اساس رویه عقلانی با عقلایی عمل و رفتار نکنند، بلکه بر اساس گرایشهای سیاسی و حزبی یا تکبر و عجب شخصی اقدام به عمل کنند مهم ترین تاثیر مخرب آن، مشروعیت زدایی از نظام سیاسی ولایی خواهد بود؛ زیرا مدیریت اسلامی در راستای اهدافی چون اقامه عدالت، اقامه قسط، اقامه نماز و زکات امر به معروف و نهی از منکر (حدید ۲۵ مانده ۸ حج: ۴۰ و ۴۱) شکل گرفته و می بایست اینگونه عمل و رفتار کند که تامین سعادت با دو مولفه اصلی آرامش و آسایش مهمترین دستاورد آن خواهد بود. این بدان معنا است که اگر با لجاجت دولتمردان و مدیران و مسئولان نظام سیاسی این موارد تامین نشود، مردم و امت اسلام نسبت به امام و امامت و رهبری دچار تردید شده و آن را نظامی نمی دانند که تامین کننده اهداف امت باشد. این گونه است که با رفتار لجاجت آمیز مسئولان به دلیل اشرافیت یا تکبر یا نفوذ یا هر عامل درونی و بیرونی دیگر نظام سیاسی مخدوش و چهره نامطلوبی از آن ارائه میشود. لجاجت مسئولان بر باطل خویش موجب می شود تا مردم از ایشان پیروی نکرده و مسیر باطل از جمله تکبر و اتراف و اسراف و تبذیر و مانند آن دوامی نخواهد یافت. (پناهیان، ۱۳۹۹، ص ۷۴)

۲- مقبولیت زدایی از نظام اسلامی

از دیگر پیامدهای لجاجت مسئولان و مدیران، مقبولیت زدایی از نظام سیاسی اسلامی است به طوری که امت اسلام نسبت به قبول چنین نظامی دچار تردید شده و انگیزه حمایتی خود را نسبت به آن از دست می دهند و نسبت به آن دلسرد می شوند.

۳- ناکارآمد نمایی نظام اسلامی

حضور گروه های نفوذی و اشرافی در سطوح مدیریتی و رفتارهای لجاجت آمیز آنها موجب عدم تحقق اهداف و مقاصد آسایشی و آرامشی در یک نظام سیاسی ولایی شده و به طور طبیعی ناکارآمدی نظام سیاسی را به نمایش می گذارد. لجاجت مسئولان نظام سیاسی بر اساس انگیزه ها و عوامل پیش گفته چنین تاثیر سونی را به جا می

گذارد و مردم گمان می کنند که نظام سیاسی مبتنی بر عنصر ولایی و اسلام نمی تواند تامین کننده سعادت دنیا و آخرت آنان باشد. بنابراین، هدف دشمنان در این سطح تنها ناکارآمد نشان دادن نظام سیاسی ولایی است.

۲-۲-۱ عوامل روانشناختی مؤثر بر لجاجت از دیدگاه قرآن کریم

۲-۱-۲-۱ جهالت و نادانی

خداوند، جهل و نادانی را عامل اصلی لجاجت مردمان در برابر حق میداند و میفرماید که علت این که برخی از مردمان با همه نشانه ها و آیات و معجزات هرگز ایمان نمی آورند بهانه گیری میکنند و لجاجت می ورزند جهالت و نادانی ایشان است. وَلَوْ أَنَّا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَى وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ تَجْهَلُونَ؛ اگر فرشتگان را بر آنها فرستیم و مردگان را به سخن آریم و هر چیز را به گواهی صدق و اعجاز بر آنها بر انگیزیم باز ایمان نخواهند آورد مگر به مشیت خدا و لکن بیشترشان جهل دارند (انعام: ۱۱۱). پس سرآغاز لجاجت ها، جهالت است. از این رو هر چه علم و آگاهی انسان افزایش یابد و حکمت و عقلانیت وی بیشتر شود رفتارهای لجوجانه و بی منطق شخص کمتر میشود و به جای رفتار سفیهانه لجاجت منطق و خود در عمل و رفتار حاکم می گردد. از این رو است که خداوند به پیامبران ماموریت می دهد تا مردمان را با کتاب و حکمت تعلیم دهند و زمینه رشد و تعالی ایشان را فراهم آورند و از مخالفت سفیهانه و بی خردانه آنان را رهایی بخشند (آل عمران: ۱۶۴) این که حکمت به عنوان خیر زیاد در قرآن معرفی شده به این دلیل است که دارندة حکمت کسی است که به دانش و علم صحیح در یافته که هر چیزی هدفی دارد که آفرینش برای آن مشخص کرده است و می بایست پیش از هر چیزی حکمت و فلسفه وجودی آن چیز را یافت. چنین دانشی موجب میشود تا انسان بیهوده به مخالفت با امور و کارها نپردازد و خردمندانه بیاندیشد و رفتار نماید. (بقره ۲۶۹)

بنابراین می توان گفت که، بسیاری از خصلت های زشت و ناپسند در آدمی ریشه در جهالت و نادانی انسان دارد، از جمله آثار جهالت و نادانی لجاجت است پیامبر گرامی (ص) در تبیین ریشه های لجاجت در انسانها فرمودند: «إِيَّاكَ وَاللَّجَاجَةَ فَإِنَّ أَوْلَهَا جَهْلًا وَآخِرَهَا، نِدَامَةٌ بِيَرْهِيْزٍ أَوْ لَجَاجَةٍ أَوْ أَوَّلُهَا جَهْلٌ وَآخِرُهَا نِدَامَةٌ» (محمّدی ری شهری، ۱۳۹۳، ج ۱۴، ص ۴۸۵).

۲-۱-۲-۲ تقلید کورکورانه

شاید بتوان تقلید کورکورانه را به عنوان بخشی از جهالت دانست؛ زیرا تقلید کورکورانه خود ریشه در جهل و نادانی افراد دارد. بسیاری از مردم ناخواسته و با خواسته از برخی از افراد که به عنوان دیگران مهم از آنان یاد می شود پیروی و تقلید می کنند. آنان را الگوهای اندیشه ای و رفتاری خویش قرار می دهند و میکوشند تا سر تا پا از آنان تقلید کنند. همین تقلید کورکورانه است که لجاجت افراد را سبب می شود بسیاری از مردم تنها به خاطر تقلید حاضر نیستند تا به برهان و منطق تن در دهند و موافق آن عمل کنند. بنابراین هر گاه با دعوت منطقی مواجه شوند در برابر برهان و استدلال مقاومت می کنند از آیه ۱۰۴ سوره مانده این معنا تقویت می شود که ریشه تقلید کورکورانه و در نهایت لجاجت را می بایست در جهالت این افراد جست؛ زیرا بدون این که از چیزی علم و دانش داشته باشند تنها به صرف وجود آن عقاید و رفتار در پیشینان و دیگران مهم خویش از آنان پیروی کرده و به مخالفت و لجاجت با دعوت حق می پردازند و آن را نمی پذیرند چنین افرادی در برابر برهانهای روشن و معجزات و بیدات آگاهی بخش و استدلال های قوی و منطقی می گویند: «آنچه از پدران خود یافته ایم ما را بس است. (طیب، ۱۳۹۸، ص ۴۸۴) «حتی اگر پدران آنها چیزی نمی دانستند و هدایت نیافته بودند. (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳، ص ۴۸۵)

نتیجه گیری:

یکی از صفت های زشت و پست اخلاقی لجاجت است. لجاجت عامل و بستر بسیاری از رفتارها و منش های زشت دیگر آدمی است. آثار این خصلت و روحیه آدمی تنها موجبات تباهی و آلودگی نفس نیست، جامعه بشری را نیز متاثر می سازد و بسیاری از فتنه ها فسادها و نابهنجاری ها را سبب می شود از این روست که رهبران دینی و اخلاقی جامعه همواره برای مبارزه با این روحیه در افراد تلاش کرده و می کنند تا به شکل منش اشخاص در جامعه بروز و ظهور نکند و تباهی و فساد را در جامعه گسترش دهد و بحران اخلاقی را در آن موجب شود. کسانی که از روحیه لجاجت برخوردارند و منش اجتماعی و رفتاری ایشان بر آن شکل گرفته است، در ارتباط اجتماعی و زندگی خانوادگی همواره در بحران به سر می برند و از تعادل شخصیتی برخوردار نمی باشند. انسان های لجوج کمتر تن به گذشت می دهند و سخن و گفتار خویش را به هر شکلی می خواهند به کرسی بنشانند. از این رو است که شکست این افراد در ارتباط اجتماعی و زندگی خانوادگی از همان آغاز معلوم است. اگر ازدواج و بر پایی زندگی خانوادگی بر پایه یک درجه از محبت است بقای آن بر نه درجه از گذشت و احسان است. از این روست که در قرآن بیش از آن که به حقوق افراد در زندگی جمعی و خانوادگی تاکید شده باشد بر احسان، عفو و گذشت تاکید دارد. چنان که بسیاری از مشکلات و تنش های خانوادگی و اجتماعی و هم چنین ناسازگاری ها و بحران ها در روابط اجتماعی و بین المللی و نیز گرفتاری ها و زیانمندی ها و عقب ماندگی های فردی و جمعی معلول همین صفت « لجاجت است که ما انسان ها به آن به عنوان یک نابهنجاری عادی و معمولی می نگریم در حالی بسیاری از گرفتارهای روحی و روانی و اجتماعی انسان بر این روحیه و منش زشت انسانی شکل می گیرد. افراد لجباز در بسیاری از مواقع می دانند که اشتباه می کنند و یا حرفشان درست نیست، اما بخاطر همان ویژگی لجبازی حاضر به پذیرش نظر دیگران نیستند. انگار که می خواهند به دیگران ثابت کنند تو اشتباه می کنی و نظر من درست است. این ویژگی افراد لجباز باعث می شود تا بر عقل خود غلبه کنند چرا

که عقل و منطقشان می گوید که در حال اشتباه کردن هستند و دیگران درست می گویند اما روی همه چیز صحنه می گذارند.

فهرست منابع و مآخذ

*قرآن کریم

- ۱- بارکلی، راسل، کودکان نافرمان، تهران، رشد، ۱۳۹۲
- ۲- پناهیان، علیرضا، لجاجت و درمان لجاجت، تهران، بوستان، ۱۳۹۹
- ۳- تقی زاده، هوشنگ، الگوی گرافیکی روش تحقیق، تهران، ارجمند، ۱۳۹۳
- ۴- جوادی آملی، عبدالله، توحید در قرآن، قم، صبا، ۱۳۹۳
- ۵- سادوک، بنجامین، خلاصه روانپزشکی، تهران، ارجمند، ۱۳۹۳
- ۶- صفرزاده، حسین، روش های تحقیق در علوم انسانی، تهران، پیام پویا، ۱۳۹۵
- ۷- طباطبایی، محمدحسین، المیزان، قم، اسلامیه، ۱۳۹۷
- ۸- طیب، عبدالحسین، تفسیر طیب البیان، تهران، اسلام، ۱۳۹۸
- ۹- کوئن، بروس، مبانی جامعه شناسی، تهران، صبا، ۱۳۹۸
- ۱۰- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، اسلامیه، ۱۳۹۳
- ۱۱- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دارالاحدیت، ۱۳۹۳
- ۱۲- معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، کبیر، ۱۳۹۳